

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سایت گزارشگران
۰۳ نومبر ۲۰۱۷

مصاحبه های گزارشگران
در باره تحولات سیاسی در کشور عراق و اقلیم کردستان
مصاحبه با شروین رها



گزارشگران:

یک ماه پس از برگزاری فراندوم استقلال در اقلیم کردستان عراق، کرکوک طبق یک عملیات کوتاه و بدون مقاومت در اختیار نیروهای ارتش عراق و شبه نظامیان حشدالشعبی قرار گرفت. پرچم کردستان را که پیشمرگه های کرد در این شهر به اهتزاز در آورده بودند پائین کشیدند و پرچم عراق را بالا بردند. انتظار می رفت که پیشمرگه های کرد در برابر این نیروها مقاومت به خرج دهند و اینطور نشد. بسیاری معتقدند که خیانت شده است و رهبران کرد را مقصر می دانند. آیا این واقعه می تواند سرآغاز جنگی دیگر و جابه جایی بحران در کشور عراق شود؟ آیا دست هائی در کار است تا عراق را نیز سوریه ئی کند؟ با فعالان و صاحب نظران سیاسی به مصاحبه نشستیم.

شروین رها از فعالان کارگری در تبعید است. با او مصاحبه می کنیم

دروود به شما

شروین رها: با تشکر از سایت گزارشگران برای انجام مصاحبه .

گزارشگران: اقلیم کردستان چندی پیش در یک همه پرسی با اکثریت قاطع به استقلال آن رأی داد. برخی اصولاً برگزاری آن و احیاناً دستیابی کردهای عراق به استقلال را حق مسلم آنان و مطابق با اصل حق تعیین سرنوشت برای

خلقها دانستند و برخی نیز ضمن تأیید این حق به طور کلی اما برگزاری این فرآیند را در شرایط بحرانی کنونی به لحاظ زمانی و مکانی در این منطقه مضر دانستند. شما آن را چگونه ارزیابی کردید؟

شروین رها:

این را نمی توان کتمان کرد که در همه پرسی کردستان عراق برای استقلال، اکثریت قاطع شرکت کنندگان در آن رأی مثبت دادند و این در هر چهار قسمت کردستان، که هر گونه استقلال کردها از دولت مرکزی همواره و به اشکال مختلف توسط رژیمهای حاکم پایمال و سرکوب شده است، مورد استقبال قرار گرفت. اما طرح فرآیند در کردستان عراق یعنی مراجعه به آراء مردم به خودی خود چیزی را تعیین نمی کند. باید دید فراخوان به همه پرسی در چه شرایطی و با چه اهداف معین سیاسی صورت می گیرد.

گزارشگران:

در برابر این پروژه (همه پرسی) صفبندی های سیاسی جدیدتری در منطقه شکل گرفت. مثلث عراق، جمهوری اسلامی و ترکیه اردوخانی برای پیشگیری از تشکیل دولت مستقل کردستان صف کشیدند و تهدیدهایی از سوی آنان انجام گرفت و محدودیت هایی در این ارتباط برای کردها ایجاد شد. برخی می گویند فلسفه این همه پرسی نه دستیابی به استقلال که گرفتن امتیازات بیشتر از دولت مرکزی عراق بوده است. شما چگونه می بینید؟

شروین رها:

با اتخاذ سیاست های حاکم بر دولت های با نفوذ سرمایه داری در عرصه رقابت های جهانی و نیز دولت های منطقه در کمرنگ کردن ارتجاع داعش، با عروج نیروی فراحربی ترمپ در رأس سیاست دولت امریکا که نشان از افول هر چه بیشتر هژمونی امریکا در پیشبرد نظام سرمایه داری جهانی دارد و با توجه به این که هر دولت و نیروی با مشارکت در هر پروژه ای در درجه اول سهم خود را تعقیب می کند و من جمله در عروج و افول داعش که عملکرد کشورهای منطقه همچون عربستان و ایران و ترکیه و نیز دولت اقلیم را شاهد بودیم و با توجه به این که شکل گیری جغرافیای سیاسی منطقه به درجه ای از ثبات نرسیده است، اینها عواملی بودند که با طرح فرآیند در کردستان عراق نیز خود را به اشکال مختلف نشان داد. بعد از به عقب راندن داعش در کرکوک که نیروی نظامی دولت اقلیم کردستان در آن نقش فعالی ایفا کرد فرصتی مناسب برای گرفتن امتیاز بیشتر دولت اقلیم کردستان از دولت مرکزی فراهم شد چرا که به جز دورانی کوتاه دولت اقلیم کردستان که امور کردستان عراق را اداره می کرد دسترسی به منطقه نفت خیز کرکوک نداشت. در پاسخ به سؤال شما شواهد نشان می دهد که فراخوان همه پرسی استقلال که توسط بارزانی صورت گرفت و بر احساسات مردم در جامعه انگشت گذاشته بود، به چند دلیل مشخص بوده است. بحران سیاسی دولت اقلیم و اختلافات درونی احزاب در کردستان و به تبع آن استفاده از موقعیت به دست آمده در عقب راندن داعش در کرکوک توسط نیروی نظامی کردستان و تحکیم دولت اقلیم کردستان. این فراخوان و طرح استقلال با وجود شرکت اکثریت جامعه در آن به طور واقعی ربطی به منافع کارگران و زحمتکشان کردستان و یا ایجاد اندکی بهبود در نحوه زندگی آنها ندارد.

گزارشگران:

شهر نفت خیز کرکوک از نقاط بسیار مهمی بود که توسط نیروی پیشمرگه ها آزاد و قسملاً کنترل می شد. با پیشروی نظامی ارتش عراق و نیروهای شبه نظامی شیعه این شهر بدون مقاومت از سوی کردها واگذار شد. پیشمرگه های کرد

دستور عقب نشینی از مواضع خود گرفتند. برخی آن را خیانت رهبری دانستند و رهبری هم این اقدام را نه عقب نشینی بلکه جابه جایی و برای پیشگیری از کشتار کردها اعلام کرد. ارزیابی شما چیست؟

شروین رها:

به دلایل مختلف سیاسی در کردستان عراق بعد از به عقب راندن داعش و نیز اهمیت اقتصادی نفت کرکوک، موقعیتی برای سهم خواهی بخشی از بورژوازی کرد به وجود آمد که فراخوان بارزانی را در چنین شرایطی می بایست ارزیابی کرد. اما گرایشات بورژوازی در کردستان یکدست نیست و اکثراً در تنش بین نیروهای اصلی آن یعنی حزب دموکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی کردستان و نیز گوران خود را به اشکال مختلف نشان داده است. حزب دموکرات کردستان عراق و بارزانی رابطه ای نزدیک با حزب حاکم ترکیه داشته است و اتحادیه میهنی و جلال طالبانی با جمهوری اسلامی در ایران. هر چند اکثریت مردم کردستان در همه پرسش جواب مثبت دادند ولی در همان طرح رفرا ندیم اختلاف نیروهای سیاسی حاکم در کردستان نیز خود را نشان داد و موقعیت واحدی را در آن جست و جو نمی کردند. با حمله نیروی نظامی دولت عراق و شیعیان حشدالشعبی و حمایت رژیم اسلامی ایران به کرکوک مقاومت های پراکنده ای صورت گرفت که به هیچ یک از احزاب حاکم مربوط نبود و اساساً مقاومتی در برنامه آنها نبوده است. با استقرار دولت عراق و حامیانش در کرکوک شادی زودگذر شرکت در رفرا ندیم خود را به نگرانی داد. دولت اقلیم سریعاً عقب نشینی کرد و اختلافات احزاب در کردستان بالا گرفت تا حدی که گوران خواهان جایگزینی دولت اقلیم با دولتی دیگر است.

گزارشگران:

نیروهای ارتش عراق و حشدالشعبی بدون مقاومت وارد کرکوک شده اند و پرچم کردهای عراق را به زیر کشیده اند و پرچم خود را بالا برده اند. با توجه به ترکیب قومی موجود در این شهر آیا به نظر شما کرکوک آستان بحران و درگیری های جدید خواهد بود.

شروین رها:

هر چند کرکوک در منطقه کردستان عراق قرار گرفته است ولی در کنار کردها عرب ها، ترکمن ها و آشوری ها در آن سکونت دارند و از آنجا که یکی از مناطق مهم اقتصادی (به دلیل استخراج نفت) به شمار می رود، مسلماً مورد توجه نیروهای مختلف نه تنها در عراق بلکه در کل منطقه خواهد بود. دامن زدن به اختلافات ملی و مذهبی همیشه ابزاری برای سرمایه داری بوده است و در منطقه و عراق نیز همین خواهد بود. چه تمرکز خواهی دولت مرکزی برای سرمایه داری در عراق و چه سهم خواهی بیشتر بورژوازی کرد بر سر مناطق نفتی کرکوک در دامن زدن و تشدید اختلافات بین کارگران و مردم زحمتکشی که سالیان در کنار هم زیسته اند خود آستان بحران و جنگ در آنجا خواهند بود. به جز این اختلافات احزاب در کردستان بالا گرفته و به احتمال زیاد اوضاع سیاسی کردستان و نیز حکومت اقلیم در آن به شکل کنونی ادامه نخواهد یافت.

گزارشگران:

گفته می شود که جمهوری اسلامی با نمایندگی قاسم سلیمانی و همراهی خانواده جلال طالبانی نیز در این واقعه دخیل بوده اند. جریان چه بوده است؟

شروین رها:

به موازات رشد و گسترش ارتجاع داعش (سنی و سلفی) تحت عنوان خلافت شام و عراق شاخه‌ دیگر ارتجاع مذهبی شیعه (پیش تر از داعش) از طرف جمهوری اسلامی فعالیت داشته و سالهاست نام قاسم سلیمانی در کردستان عراق و در کنار جلال طالبانی با هم تداعی شده اند. مرکز قدرت بارزانی و حزب دموکرات در اربیل و مرکز اتحادیه میهنی و جلال طالبانی در سلیمانیه بوده است. لشکر کثی نیروهای نظامی دولت عراق و حشد الشعبی و حمایت رژیم ایران به کرکوک مورد حمایت بخشی از اتحادیه میهنی قرار گرفته است. گویا اتحادیه میهنی به دو بخش تقسیم شده است و جریان حاکم در آن که جلال طالبانی سخنگوی آن بوده است همکاری با دولت عراق را در برنامه خود داشته اند. اظهارات جلال طالبانی هم قبل از مرگ دال بر همکاری کردها با دولت مرکزی در عراق بوده است. در واقع اتحادیه میهنی و جلال طالبانی راه ورود رژیم اسلامی ایران، قاسم سلیمانی و دیگر نظامیان سپاه را باز کردند و رابطه ای کاملاً دوستانه با هم داشتند. اهمیت طالبانی برای جمهوری اسلامی تا این حد بود که وزیر خارجه و سلیمانی را بر سر مزارش حاضر کنند.

گزارشگران:

نقش و جایگاه کشورهایمانند امریکا و اسرائیل و عربستان در این تحولات چگونه است؟

شروین رها:

قبل از پاسخ به این سؤال لازم است مقدمتاً به نکاتی اشاره کنم. بحران اقتصادی سرمایه داری دوره حاضر که از سال ۲۰۰۸ در امریکا خود را بروز داد و به سرعت جهان را فراگرفت کماکان ادامه داشته و به یکی از بحرانهای دراز مدت نظام سرمایه داری تبدیل شده است. اگرچه شرایط انقلابی بر جهان حاکم نیست ولی این بحران بی افقی سیاست های سرمایه داری را به نمایش گذاشته است. انباشت سرمایه که با اتخاذ سیاست های اقتصادی نئولیبرالی منافع اکثریت جمعیت کره زمین را به ورطه نابودی کشانید اکنون درگیر چنان بحرانی شده است که به جز جنگ و کشتار و تعرض به هستی انسانها راهی برای رها شدن از بحران در آن موجود نیست. در مقابل این بربریت، سوسیالیسم تنها گزینه ای است که می تواند در صورت سازمانیابی طبقه کارگر بحران اجتماعی را فرونشاند. سیاست راست افراطی در امریکا و اروپا و اتکاء به ارتجاعی ترین حکومت ها در منطقه عرصه را برای زندگی اکثریت جامعه تنگتر خواهد کرد. در چند سال گذشته که موش داعش در منطقه دوانیده شد مقاومت کوبانی در مقابل آن نوری در تاریکی بود و بی جهت نبود که گرایش آزادیخواهانه به صورت اجتماعی در جهان حمایت خود را به اشکال مختلف از آن نشان داد (در همین جا تذکر این نکته ضروری است که عملکرد ارتجاعی دولت اقلیم و احزاب کردستان عراق در رابطه با استقامت کانتونهای کوبانی در مقابل داعش نیز فراموش نمی شود). سازمانیابی داعش در منطقه و گسترش آن توسط دولت های سرمایه داری و ارتجاع منطقه هدفی معین داشت. وضعیتی ایجاد شد که سرمایه داری بتواند در آن فرصتی برای رفع بحران داشته باشد و شکل گیری جنبش ها و اعتراضات ضد سرمایه داری را تحت نام امنیت و کنترل مانع شده و بالطبع موجه شدن ضرورت قوانین سخت تر بر جوامع را اعمال کند. حضور سیاسی ترمپ در رأس سیاست دولت امریکا و نیز حلقه قوی راست افراطی در اروپا، اتکاء به سیاست های ارتجاع مذهبی در منطقه در هر حال نشان از ناتوانی سرمایه و سیاست های لیبرالی و سوسیال دموکرات دارد. در عین حال تشدید رقابت های سرمایه داری از محدوده دو یا چند قطب خارج و میدان وسیع تری پیدا کرده است. با این تصویر و در جریان همه پرسی کردستان عراق سیاست یکدست و با ثباتی در میان امریکا و اروپا و اسرائیل و عربستان و حتی ایران و ترکیه موجود نبود. اسرائیل که تلویحاً از وجود رژیم اسلامی می نالد خود مکمل آن و با حضور آن تعریف می شود. یا عربستان که یک پا

در رقابت با ایران دارد و از طرف دیگر حامی دولت عراق است. ترکیه نیز با وجود رابطه سیاسی و اقتصادی با بارزانی اولویت را به دولت متمرکز عراق می دهد.

امریکا و اروپا با وجود استفاده گوناگون از منطقه کردستان عراق و تعریف و تمجید از بارزانی اولویت را به جای رفراندم به همکاری وی با دولت عراق دادند. عربستان بعد از اشغال کرکوک توسط دولت عراق خواهان همکاری بیشتر با آن شده است.

حتی دولت اسرائیل که مثل دولت امریکا و دولت های اروپائی به خصوص المان از موقعیت کردستان عراق تاکنون به خوبی استفاده کرده و حتی در زمینه نظامی تحت عنوان کمک در آموزش نظامی پیشمرگان کرد و غیره سودهای هنگفتی را پارو کرده اند ولی در چهارچوب منطقه و دولت عراق و بارزانی به نیروئی اتکاء دارند که در چهارچوب منافع عمومی سرمایه کم خرج تر باشد و این نمی تواند بارزانی باشد. وضع به نوعی و در توازن قواء بین دولت ها در منطقه برای روسیه نیز بر همین منوال است. سرمایه داری اساساً بر مبنای قواعد درونی اش نمی تواند هیچ سیاستی را امثال استقلال کردستان عراق خارج از مسیر خویش برتابد، حتی اگر نیروی اصلی آن بارزانی و یا بورژوازی کرد باشد و به عکس آن هم استقلال کردستان عراق بدون تعیین قرار و مدار با دولت های منطقه نمی تواند محقق شود و این را دو طرف شرکت کننده در بازی می باید رعایت کنند.

گزارشگران:

آنچه مسلم است این وضعیت جدید پس از همه پرسی کمک زیادی به حل بحران منطقه نمی کند و در این میان دولت اسلامی داعش می تواند از فضای ایجاد شده به بازسازی خود بپردازد. چشم انداز را چگونه می بینید؟ آیا ظرفیت ها و پارامترهای موجود احتمال سرانجامی بدون آغاز جنگ و کشتاری دیگر از طریق مذاکره را می دهد؟

شروین رها:

مسئلاً وضعیت حاضر نه تنها به بحران سرمایه داری و انعکاس آن در منطقه کمکی نمی کند به عکس آن را تشدید خواهد کرد.

این که در چنین فضائی داعش بتواند با تجدید سازماندهی و تغییر آرایش قوایش موقعیت خود را به سابق برگرداند بعید است. نه این که داعش و نیروی فی الحال موجودش تلاش نمی کنند، همچنان که طالبان کماکان در افغانستان موجود است و همین هفته گذشته با انفجارهای پی در پی وجود خود را به روز کرد. القاعده و طالبانها و نیز داعش با هدف معین سیاسی و در پاسخ به شرایط خاصی شکل گرفتند و استفاده بهینی از آنها صورت گرفت و اگر هم به اقتضای شرایط و رفع کاربریشان اکنون از جلو صحنه سیاسی کمرنگ شده اند، ولی همچنان بازیگرانی در منطقه خواهند داشت. اما چشم انداز در منطقه جدا از چشم انداز اوضاع سیاسی جهان نیست. بحران اقتصادی سرمایه داری در جهان و منطقه سیر فروکشی نخواهد داشت و مسلماً بدون جنگ و تشنج در منطقه قابل تصور نخواهد بود. چنانچه سرمایه داری به چنان ثباتی برسد که به مسیر افول بحران نایل آید و گرایشات موجود در آن به درجه ای از همگرایی برای بازسازی رشد انباشت سرمایه برسند مسلماً در منطقه نیز شواهد این انسجام به دور از جنگ آشکار می شود. اما رشد و امنیت برای سرمایه داری در خاموش کردن توقعات انسانی و استفاده بهینی بسیار بالا از نیروی کار ارزان جوامع خواهد بود تا آنگاه که درون خود به توافقاتی بر سر تشنج زدائی در رقابت هایشان برسند. اما در قرن بیست و یک و در حالی که سرمایه داری از تمامی ظرفیت هایش بهره جسته است امکان پذیر نیست و بیشتر می توان گفت مدتهاست ناقوس مرگ جانندان این نظام فرا رسیده است. به عبارتی سرمایه داری به پایان خط رسیده است ولی بدین معنا نیست

که سوسیالیسم حی و حاضر است . و اینجاست که می توان قطعاً گفت متأسفانه سرمایه داری همچنان قربانی می گیرد . لذا منطقه در حال حاضر بدون جنگ قابل تصور نخواهد بود و کردستان عراق هم بخشی از آن است.

گزارشگران:

چنانچه نکته یا پیامی دارید لطفاً مطرح کنید

شروین رها:

اگر فراخوان بارزانی تحت عنوان همه پرسی استقلال کردستان عراق ابتداء مورد استقبال اکثریت مردم کردستان شد و روحیه حاکم بر این تصور بود که استقلال یعنی حداقل رها شدن از دیکتاتوری دولت عراق و به نوعی دیکتاتوری های موجود در کشورهای ایران و ترکیه و سوریه، اما سیر شواهد و مذاکرات به موازات فراخوان، نشان داد که فراخوان رفراندوم همگانی در کردستان نه به اتکای منافع اکثریت جامعه که استفاده از رأی همگانی برای فشار به منظور سنگین کردن سهم دولت اقلیم کردستان در مقابل دولت مرکزی بوده است . به عقب راندن داعش در منطقه و به ویژه کرکوک که نیروی نظامی دولت اقلیم در آن سهمی ایفا کردند بارزانی و حزب دموکرات را بر آن داشت تا تنور داغ است آن را بچسبند و ترازوی بورژوازی ضعیف کرد از این موقعیت را سنگین کنند . با موقعیت شکننده سالهای اخیر چه در جامعه و ایجاد فقر و فلاکت و فساد اجتماعی در آن و چه بحران سیاسی در دولت اقلیم و پارلمان و .. این فراخوان تلاشی بود (با شناخت از احساسات جامعه در استقلال خواهی) که می خواست موقعیت دولت اقلیم در کردستان را قوی تر کند .

در تقابل دو نیروی بغداد و اربیل چه قبل و چه بعد از رفراندوم (به استثنای روز رفراندوم) سیر حوادث نشان داد که خواست بارزانی و دولت اقلیم و بورژوازی کرد از اعتماد به نفس برخوردار نیست و با اشغال کرکوک شکنندگی خود را بزودی نشان داد . توافقاتی در ملل متحد و نیز قرارهای فی مابین دولت های مختلف در سطح جهانی و نیز منطقه نوشته و نانوشته جانب دولت مرکزی عراق را گرفت . دولت های ایران و ترکیه با فشار سیاسی و نظامی و تهدید اقتصادی، و حمایت اسد از آنها در کنار دولت عراق فصل مشترک آنها علیه طرح هر گونه استقلال خواهی در کردستان بود. دولت های اروپائی و امریکا و حتی اسرائیل به ظاهر کجدار و مریز عملاً منافع منطقه ئی خود را در حمایت از تمرکز در دولت عراق و هماهنگی بارزانی با آن قرار دادند و نیز اختلاف احزاب ناسیونالیست کرد بخشی را عملاً به حمایت از دولت مرکزی عراق واداشت . این نکته نباید نادیده گرفته شود که ترجیح دولت های امریکا و اسرائیل و اروپا ، روسیه و چین در منطقه وجود رژیمهای ارتجاع مذهبی است.

احزاب ناسیونالیست و ملی گرا در کردستان که منافع بورژوازی کردستان را نمایندگی می کنند قادر به هیچ درجه ای از استقلال خواهی نیستند و همواره با فشار و مذاکره در رابطه با دولت های دیکتاتوری سیاست های خود را پیش برده اند . نمونه های تاریخی آن چه از جانب حزب دموکرات کردستان ایران با رژیم اسلامی و یا پ ک ک در ترکیه با دولت اردوخان و حزب دموکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی با رژیم صدام را شاهد بوده ایم. بعداز برداشتن رژیم صدام توسط امریکا نیز کردستان عراق به جایگاهی برای اتخاذ سیاست های دولت امریکا تبدیل شد و حزب دموکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی در این چهارچوب پادوی بیش نبودند . با دالره های امریکا چنان فاسد و فربه شدند که اکثریت جامعه کردستان را در تنگنای معیشتی قرار دادند و فضای فاسدی را برای آنها به ارمغان آوردند. فراخوان همه پرسی دولت اقلیم و بارزانی در عین حال تلاشی برای رفع بحران سیاسی و اجتماعی است که مدتهاست دامنگیر آنها شده است .

استقلال ، حق تعیین سرنوشت و یا اصولاً رفع ستم ملی در کردستان (که البته در کردستان عراق که چندین سال است که حکومت اقلیم کردستان بر جامعه کردستان مسلط است رفع ستم ملی بی معنا است) تنها با اتکاء به منافع اقتصادی اکثریت جامعه گره خورده است که آن هم در شرایطی عادی متصور نخواهد بود . رأی به جدا شدن یا نشدن تابع منافع اکثریت جامعه یعنی کارگران و زحمتکشان است که در آن رفع تمامی ستم ها من جمله ستم ملی به عنوان ضرورتی طبقاتی متحقق شود . تشکل یابی کارگران و زحمتکشان در کردستان عراق با هر درجه اجتماعی می تواند آن نیروئی باشد که با افق مبارزه طبقاتی ضد سرمایه داری و رفع ستم ملی مسیر نحوه زندگی برای آینده کردستان را تأمین کند . بی شک تجربه اخیر هم درسی برای این امر تاریخی است که منافع اکثریت جامعه در کردستان عراق با اتکاء به نیروی اجتماعی خود یعنی اتحاد کارگران و زحمتکشان می تواند ضمانتی برای تعیین نحوه زندگی در آنجا باشد . کردستان عراق سالهاست این تجربه را از سر گذرانده است و چیزی که دولت اقلیم را از اکثریت جامعه جدا کرده است تفاوت آشکار طبقاتی و تفاوت میزان سهم در امکانات مادی جامعه است .

با سپاس از شما رها گرامی

۲۰۱۷/۱۰/۳۰